

کاریکاتور سیاسی به مثابه آینه تاریخ جهان



«ژنرال موشه دایان، غرقه در دریای خشم...»

واری بورت (VALERY BURT)
ا. م. شیری

همین روزها داشتم آوار روزنامه‌ها و مجلات قدیمی را مرتب می‌کردم. مقالات را مرور کردم، چشم به عکس‌ها و نقاشی‌هایی افتاد که وقایع سیاسی را منعکس می‌کردند. در آرشیو خانگی به خصوص نشریات زیادی در ارتباط با خاورمیانه وجود داشت. سربازان اسرائیلی، سیاستمداران آمریکایی، اعراب و فلسطینی‌ها از صفحات زرد شده نگاهم می‌کردند. این‌ها مربوط به گذشته‌های دور بودند، اما حتی اکنون، سال‌ها بعد، اهمیت خود را از دست نداده‌اند.

افسوس که کاریکاتورهای سیاسی الان در روسیه مرسوم نیستند. آن‌ها مختصر هستند و ماهیت آنچه را که اتفاق می‌افتد، به سرعت و به وضوح منتقل می‌کنند. بسیاری از رویدادهای مهم در کشور و جهان در دوره اتحاد جماهیر شوروی، با مدادها و قلم‌های «تیز» کوکرینیکسوف، بوریس افیموف، ویتالی گاریاییف، یولی گانوف، یوری چرپانوف، یوگنی شوکایف و دیگر استادان مشهور این سبک جان می‌گرفت. با استفاده از آثار آن‌ها می‌توان تاریخ را مطالعه کرد و خاطرات خود از وقایع فراموش شده را تجدید کرد.



... اتحاد شوروی در دهه ۵۰ قرن گذشته در کنار کشورهای عربی و فلسطینی‌ها جای گرفت. مسکو با جمال عبدالناصر، رئیس جمهور مصر همزبانی کرد. سخنرانی‌های او مملو از شعارهای ضد امپریالیستی، بحث‌های آزادی ملی و احیای کشور بود. به نظر می‌رسید که او یک رهبر ملی قادر به ایجاد تغییر در خاورمیانه، رهبری مبارزه کشورهای عربی علیه اسرائیل و مهمتر از همه، مخالف استعمار غرب است.



کرملین توجه خود را به ناصر معطوف نمود و هر نوع کمک‌های ممکن، از جمله کمک‌های نظامی به او ارائه کرد. ناصر در سال ۱۹۵۸ برای اولین بار از اتحاد جماهیر شوروی دیدن کرد و همچو مهمان عزیز مورد استقبال قرار گرفت. خروشچوف در ماه مه ۱۹۶۴ در جریان سفر مجدد به جماهیری متحدهٔ عربی - اتحاد مصر و سوریه در آن زمان - به ناصر عنوان قهرمان اتحاد شوروی اعطا کرد. فیلد مارشال عبدالعامر، معاون رئیس جمهور جماهیری متحدهٔ عربی نیز از همین افتخار برخوردار شد.

در آن زمان، روابط بین کشورهای عربی و اسرائیل به طور روزافزون تشدید می‌شد - روند اوضاع آشکارا به سمت یک درگیری نظامی دیگر پیش می‌رفت. این نیز به معنی بدتر شدن روابط بین کشورهای غربی به رهبری آمریکا بعنوان حامیان اسرائیل و اتحاد شوروی در جایگاه حامی کشورهای منطقهٔ خاورمیانه بود.



«نظامی‌گری اسرائیل» و «پوزخند غارتگرانهٔ صهیونیسم» مضامین مورد علاقهٔ کاریکاتوریست‌های شوروی بودند. اسرائیل به نیت تجاوزکارانه علیه همسایگانش متهم می‌شد، اگرچه این همیشه درست نبود. در آستانهٔ جنگ ۱۹۶۷، کشورهای عربی، به ویژه مصر به معنای واقعی کلمه با تسلیحات شوروی پر شد و رهبران آنها مطمئن بودند که در یک رویارویی نظامی آینده، انتقام شکست‌های گذشته را خواهند گرفت.

اما، در جنگ شش روزه، ارتش دولت یهود به پیروزی دیگری دست یافت. شبه‌جزیرهٔ سینا، بلندی‌های جولان، کرانهٔ باختری و بیت‌المقدس شرقی را اشغال کرد.



شکست کشورهای عربی و تصرف و انهدام تجهیزات نظامی اتحاد شوروی توسط اسرائیلی‌ها واکنش دردناک مسکو را در پی داشت. مدت کوتاهی پس از شروع جنگ ۱۹۶۷، اتحاد شوروی روابط دیپلماتیک خود را با اسرائیل قطع کرد و تهدید کرد که اگر پیشروی نیروهای نظامی به قاهره را متوقف نکند، از زور استفاده خواهد کرد. دولت یهود مقصر همهٔ مشکلات در خاورمیانه و منشأ رنج اعراب و فلسطینیان اعلام گردید.



مشابهت‌های بین اسرائیل و آلمان نازی تبیین شد. به عنوان مثال، یکی از کاریکاتورها یک مخزن با ستاره شش پر واقع در نزدیکی یک علامت و کتیبه یخزده را نشان می‌داد: «اسرائیل بزرگ». این نقاشی با این عبارت همراه بود: «اسرائیل با ثباتی غیرقابل رشک به دنبال فضای زندگی است».



همپیوندی‌های «قوی» دیگری نیز وجود داشت: کرانه باختری با آشویتس، صلیب شکسته با ستاره داوود مقایسه شد. شخصیت دیگری با ویژگی‌های سامی، تبر خونین در دست، ایستاده در زیر سایه هیتلر یادآوری می‌شد. در این مورد و موارد دیگر، نكوهش صهیونیسم به مظهر یهودستیزی تبدیل گردید.

شورای امنیت سازمان ملل متحد در نوامبر ۱۹۶۷، [قطعنامه‌ای](#) را تصویب کرد که در آن خواستار «استقرار صلح عادلانه و پایدار در خاورمیانه» شد. این سند از تل‌آویو می‌خواست نیروهای خود را از سرزمین‌های اشغالی خارج کند. اما این خواسته رد شد. با این حال، نیروهای اسرائیلی در سال ۱۹۷۹ از شبه‌جزیره سینا خارج شدند. اما اشغال بلندی‌های جولان، کرانه باختری و شرق بیت‌المقدس تا امروز ادامه دارد.

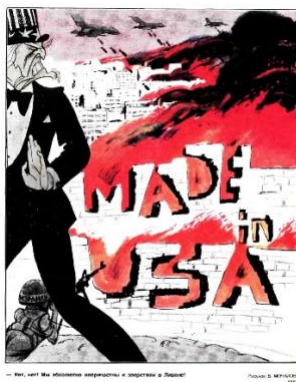


موضوع اشغال غیرقانونی سرزمین‌های عربی و فلسطینی بسیار پرطرفدار بود. در این باره یکی از مشخص‌ترین کاریکاتورها شایان توجه است. این کاریکاتور، موشه دایان، وزیر دفاع اسرائیل را در مطب چشم پزشکی نشان می‌دهد که به شعار «تصمیم سازمان ملل متحد» که با حروف بزرگ نوشته شده است، نگاه می‌کند. او تنها چشم خود را می‌بندد و در حالی که پوزخند درنده می‌زند می‌گوید: «نه، من مطلقاً چیزی نمی‌بینم!»

این استراتژیست، شخصیت مورد علاقه پاورقی‌نویسان و کاریکاتوریست‌های شوروی بود. آن‌ها حتی در مورد او مطالبی نوشتند. این هم یکی از آن‌ها: «ژنرال موشه دایان- غرق در دریای خشم- او نمی‌خواهد قطعنامه‌های سازمان ملل متحد را به رسمیت بشناسد».

با این حال، مشخص است که دایان تعیین‌کننده سرنوشت در خاورمیانه نبود. آمریکا در آنجا مسلط بود و اسرائیل تنها مجری خواسته‌های آن بود. این موضوع، به ویژه، در کاریکاتور «آی، مسکو! می‌دونی قویه... چون تنها نیست!» این نقاشی یک سرباز اسرائیلی کوچک

را به تصویر کشیده است که با انگشت سبابه خود که روی آن نوشته US، بمب‌هایی را پرتاب می‌کند...



امواج عظیم کاریکاتورهای ضد اسرائیلی طی سالیان متمادی صفحات مطبوعات شوروی را پر می‌کرد. زمانی که تنش‌ها در خاورمیانه بالا گرفت، مبلغان اتحاد شوروی فعال شدند.



انتقادهای از دولت اسرائیل در اواخر دهه ۱۹۸۰، زمانی که روابط بین دو کشور شروع به گرم شدن کرد، متوقف شد. روابط دیپلماتیک پس از یک وقفه تقریباً ۲۵ ساله در اکتبر ۱۹۹۱، **[به برکت نوسازی خانانه باند خائن کارباچوف- یاکوولی‌یف- یلتسین. مترجم]** اندکی قبل از تجزیه اتحاد شوروی احیا شد...

جا دارد از دو کاریکاتوریست دیگر نیز یاد کنیم. وطن آنها فلسطین ستم‌دیده است. علاء الله می‌گوید: «در سال ۱۹۸۸ زمانی که انتفاضه اول شروع شد، من ۱۵ ساله بودم و می‌خواستم اعتراض خودم را علیه اسرائیل ابراز کنم. روی دیوارها نقاشی می‌کشیدم. نخست وزیر شامیر را که مروج اعمال تنبیهی بود، به سخره گرفتم. اسرائیلی‌ها مرا گرفتند و در خیابان در جلوی چشمان پدر و مادرم انگشتانم را شکستند تا دیگر نتوانم نقاشی بکشم».

با این حال، این تنبیهات تمایل او برای تبدیل شدن به یک کاریکاتوریست را تقویت کرد. خوشبختانه انگشتانش بهبود یافت و به کار نقاشی ادامه داد. ناجی العلی، کاریکاتوریست معروف فلسطینی که تصویر وطن خود را در تصویر پسری ده ساله به نام هاندلا خلق کرده است، معبود او بود.



العلی با خلق بیش از ۴۰ هزار کاریکاتور، دیدگاه‌های انتقادی اعراب و فلسطینی‌ها را تجسم بخشید. شخصیت‌های هنر او افرادی بودند که از کشورشان بیرون رانده شده و رؤیای یافتن خانه و آسمانی آرام در بالای سرشان را در سر می‌پروراند.

کاریکاتورهای العلی اسرائیل و آمریکا را نیز هدف قرار داده بود. او دولت‌های عربی را که به دلیل اختلافات و نزاع‌ها نتوانستند به درک متقابل برسند و قادر به محافظت از هموطنان خود نبوندند، با حدت مسخره می‌کرد.

آثار این هنرمند مورد انتقاد شدید سیاستمداران و دولت‌های بسیاری از کشورها قرار گرفت که احساس توهین به خود می‌کردند.

ناجی العلی در ماه ژوئیه ۱۹۸۷ در لندن بر اثر اصابت گلوله ناشناس کشته شد. هنوز معلوم نیست قاتل واقعی او کی بوده و چه کسی دستور قتل او را صادر کرده بود.

سرنوشت غم‌انگیز این هنرمند بار دیگر ثابت کرد که گفتن حقیقت چقدر خطرناک است. با این حال، پیش از این بسیار اتفاق افتاده بود که کاریکاتوریست‌ها برای قلم و مدادهای تیز خود هزینه‌های گزافی را پرداخته‌اند.

منبع: [بنیاد فرهنگ راهبردی](#)

۳ فروردین- حمل ۱۴۰۳